



اکبر بروسلی از سرنوشت خود می‌گوید

اکبر اصفهانی، به معنی واقعی کلمه، آچار فرانسه سینمای ایران بود؛ از بازی و عکاسی تا بدلکاری و انجام صحنه‌های اکشن و مبارزه، هرجای کار فیلم‌ها لنگ می‌شد، اصفهانی حی و حاضر بود و با استعداد و هنر و توانایی اش در حرکات رزمی و بدلکاری، کار کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها را راه می‌انداخت. هم به جای خودش در نقش‌های ریز و درشت کتک می‌خورد و هم به جای بعضی از ستاره‌های نامدار سینمای ایران کتک می‌زد و از بلندی می‌پرید و خلاصه این‌که یک سینما بود و یک اکبر اصفهانی. او به قدری تر و فرز بود و این حرکات نمایشی و رزمی و خطرناک را خوب اجرا می‌کرد که به او لقب اکبر بروسلی دادند اما باوجود این تشبیه و این همه زحمت بی‌دریغ اکبر اصفهانی، او قدر ندید.

اکبر اصفهانی به بخشی از فیلم کاکاسیاه با بازی خودش اشاره می‌کند که اخیرا در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام به اشتراک گذاشته‌است، لحظاتی پر از آمادگی بدنی و حرکات رزمی و نمایشی او. این هنرمند بالهجه شیرین اصفهانی‌اش می‌گوید: خداوکلی ببینید! کف آن اتاق پر از کاشی بود و من حرکاتم را آنجا انجام می‌دادم و به زمین می‌خوردم. آن روزها جوان بودم و جویای نام. یک نفر به ما نگفت این کارها را نکن و این‌طوری خودت را زمین نزن! آن‌موقع در سینمای ایران، کاراته نبود و همه دور و بر کشتی‌کج می‌گشتند. مثل خود آقای بیک که کشتی‌کج می‌گرفت. یدی و فیروز و... کج کار بودند. من با دیدن فیلم اژدها وارد می‌شود، ادای بروس لی را در فیلم‌ها در می‌آوردم و سعی می‌کردم نگاهم مثل نگاه‌های سینمایی بروس لی باشد. من البته درحدی نیستم درباره بروس لی حرف بزنم، اما در حد بضاعت خودم و سینمای ایران، مثل بروس لی کارهای نمایشی و آکروبات کردم.



اصفهانی از هنر بروس لی تعریف می‌کند؛ مگر می‌شود آدم به آن خوشگلی، پنج نفرو ۱۰ نفرو بیشتر را بزند؟ مگر این‌که همه اینها تمرین شده باشد. ما در حد خودمان این کارها را در سینمای ایران هم کردیم. سر فیلمبرداری و برای این صحنه‌ها، آدم‌ها شماره داشتند و مثلا می‌گفتند شماره یک از فلان جا می‌آید و لگد می‌خورد و از کادر بیرون می‌رود و شماره ۲ از این طرف بیاید و شماره ۵ از آن طرف برود و... من در فیلم کلگو ۱۳ هم کار کردم که محصول مشترک ایران و ژاپن بود و آنجا بعضی از این حرکات رزمی را از نزدیک دیدم و یاد گرفتم و حتی پیشنهادهایی هم سرصحنه می‌دادم. درمجموع بروس لی در کار خودش بی‌نقص بود. اصفهانی درباره این‌که چه کسی اولین بار لقب بروسلی را به او داد، هم توضیح می‌دهد: در فیلم کاکاسیاه به کارگردانی امیر شروان، به کارگردان گفتند که این پسره (اکبر اصفهانی) از این‌طرف پیکان به آن طرف می‌پرد و انواع این شیرین کاری‌ها بلد است. من هم آن‌موقع اژدها وارد می‌شود را دیده‌بودم و شبیه همان اصوات بروس لی را هم قاطی صحنه‌های مبارزه درآوردم و عریبه می‌زدم. آقای شروان هم از این صداها خوشش آمد. این گذشت و فیلم عبد نوروز اکران شد. ستانسن اول مردم بعد از تماشای فیلم در راهروی سینما، ادای من را درآوردند. این سب‌زبان‌ها افتاد و باعث شد خود شروان به من لقب اکبر بروسلی بدهد که بعدا دیگران هم آن را به کار بردند. در آنجا این‌قدر درخشیدم که بعضی از روزنامه‌ها نوشتند این بازیگر را از ژاپن آوردند! چون آن‌موقع من اولین کسی بودم که از زمین دو متر به هوا می‌پریدم و پشتک و وارو می‌زدم. اصفهانی دل‌پرو و کلاه‌هایی هم دارد؛ از بس که در جوانی‌ها خودم را زمین زدم و حرکات خطرناک در فیلم‌ها انجام دادم، این سال‌ها همیشه دردمند هستم. کسی آن زمان به ما نگفت دوران پیری هم هست، تهش پوچ پوچ بود و با عکاسی در ۱۶۰ فیلم و بازی در ۵۰ فیلم و لقب اکبر بروسلی، صاحبخانه دارم من را از خانه بیرون می‌اندازد.

۲ جایزه «ایدفا» به سینمای مستند ایران رسید

سی‌وچه‌ارمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام (ایدفا)، برندگان بخش‌های مختلف خود را معرفی کرد. به گزارش ایسنا، در این رویداد که به‌عنوان معتبرترین جشنواره سینمای مستند جهان شناخته می‌شود، فیلم «آب، باد، خاک، نان» ساخته مهدی زمان‌پور کیاسری تقدیر ویژه هیات‌داوران بخش مستند کودک و جوان را دریافت کرد و «چهره‌پرذا» ساخته جعفر نجفی نیز جایزه فیپرشی (انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم) را به خود اختصاص داد.



اژدها چگونه وارد زندگی ما شد؟

به مناسبت ۸۱ سالگی بروس لی، سراغ شمایل و کارنامه سینمایی این بازیگر هنرهای رزمی رفته‌ایم که تأثیرش بر جهان خیلی بیشتر از چند فیلم و سریال بود

❏ استاد اگر زنده بود، امروز شمع ۸۱ سالگی‌اش را احتمالاً با پا و بایک حرکت رزمی فوت می‌کرد! اما تقدیر باعث شد بروس لی که ۲۷ نوامبر ۱۹۴۰ به دنیا آمده بود، در ۲۰ جولای ۱۹۷۳ از دنیا برود. متنها همان ۳۲سال و خرده‌ای زندگی هم عمر بسیار مفید و شسته رفته‌ای بود و بروس لی اگرچه جای بسیاری برای پیشرفت و درخشش و تأثیرگذاری بیشتر داشت اما تقریباً همه کار کرد و همان زیست نسبتاً مختصر هم برای شهرت، محبوبیت و جاودانگی‌اش کافی بود. او نقش بسیار مهمی در تثبیت و قوام هنرهای رزمی در سینما داشت و به فیلم‌های رزمی در زیرگونه اکشن اعتباری فراوان بخشید. ساخت بنگل‌های سینمایی به عنوان فیلم‌های رزمی چه قبل و چه بعد از بروس لی وجود داشت و ادامه پیدا کرد اما حضور جدی، جذاب و قدرتمند او، ثابت کرد حتی می‌توان به همین بزن‌بزن‌ها و زدو خوردها با نگاه و استایل و اصوات و حرکات منحصربه‌فرد و اجرای درست و باورپذیر، غنا بخشید و وجه هنری رزم را تقویت کرد. اگرچه عالم هنرهای رزمی در سینما، دیگر پدیده‌ای چون بروس لی را ندید و احتمالاً هم نخواهد دید اما اعتباری که او به این بخش از سینما بخشید، راه را برای درخشش بازیگرانی دیگر چو چکی جان، ژان کلودون دام، جت لی و دیگران باز کرد.

دامنه تأثیر لی از سینما به فرهنگ عامه هم راه یافت و حتی در ایران، به جز آثار انگیزشی که در کودکان، نوجوانان و جوانان برای رو آوردن به انواع هنرهای رزمی به ویژه کونگ فو و جیت کان دو (یکی از سبک‌های مدرن هنرهای رزمی که بروس لی پایه‌گذار آن بود) ایجاد کرد، در گفتمان و حتی شوخی‌هایی چون «قاتل بروس لی کیست؟» هم خودش را نشان داد. علاقه بروس لی به فلسفه و مطالعات در این زمینه و سرون شعر هم باعث شد بروس لی را تنها به عنوان ورزشکار هنرهای رزمی و بازیگر سینماشناسیم و زندگی‌اش عمق و غنای بیشتری داشته باشد.



همه ورزش‌های رزمی با اصالت دوبخش کومیته (مبارزه) و کاتا (فرم) دارند. کاتا این‌گونه تعریف شده‌که مجموعه‌ای از ضربات رزمی در یک قالب مشخص است و هرچه درجه کم‌رند در ورزش رزمی بالا برود، کاتا سخت‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد. کومیته هم به معنای مبارزه است که قوانین مشخصی دارد و یک ورزش انفرادی محسوب می‌شود. مطلبی که می‌خوانید در مورد بروس لی، اسطوره ورزش‌های رزمی است. بازیگری که نقش‌های رزمی را به خوبی ایفا می‌کرد و توانست با استفاده از رسانه سینما، روش‌های رزمی خود را در جهان بشناساند. قبل از بروس لی افراد زیادی وارد ورزش‌های رزمی شده بودند. افرادی مانند ماسوتاسو اوایاما بنیانگذار کاراته در جهان که برای محک زدن قدرت بدنی خود راهی مسابقات جهانی می‌شدند و حتی با حیوانات وحشی بدون پوشش ایمنی مبارزه می‌کردند. پرسش اینجاست چرا با وجود تعداد زیاد رزمی‌کار در جهان، بروس لی خیلی

این القاب بودند اما در ورزش‌های رزمی وضعیت این‌گونه نیست و چند اسطوره خاص بیشتر وجود ندارد.



محمدحسین علی‌اکبری

مربی ورزش‌های رزمی

❏ تقریباً همه ورزش‌های جهان در هر دوره‌ای به نام یک نفر ثبت می‌شود و افراد به دنبال تصاحب مدال‌های بیشتر برای نقش آفرینی در جهان هستند. همان‌طور که در زمان مسابقه حسن یزدانی، قهرمان کشتی جهان و دیوید تیلمور از آمریکا سازمان جهانی کشتی اعلام کرد مسابقه این دو نفر برند جهانی دارد و قبلاً افراد دیگر دارای

انتقاد اولیور استون از بایدن



اولیور استون، کارگردان برنده جایزه اسکار مقاله‌ای نوشته و در آن می‌گوید جو بایدن و دونالد ترامپ در زمینه شفافیت درباره قتل رئیس‌جمهور جان اف. کندی در روز بیست‌ودوم نوامبر ۱۹۶۳ با هم فرق زیادی ندارند. این کارگردان که به‌تازگی مستند جدیدی با عنوان «بازبینی جی اف‌کی: درون آیین» ساخته است، بار دیگر در این فیلم بر ابهامات در پیده‌نگه‌داشته‌شده تئوری اصرار کرده است.

مختصر و مفید



باجکی جان

تقریباً همان اتفاقی که برای جیمز دین افتاد و تنها با سه فیلم و مرگی غافلگیرکننده و زودهنگام، به جایگاه و محبوبیتی فوق‌العاده دست یافت، به نوعی برای بروس لی هم رخ داد. اگرچه بروس لی، به خاطر پدرش که هنرمند اپرا و تئاتر بود، از سنین کودکی و حتی نوزادی در چند فیلم

حضور داشت و بعدها در ۱۳-۱۲ سریال و فیلم هم نقش‌های کوتاه و بلندی بازی کرد، اما بیش از هر چیز با بازی در چهار فیلم شناخته می‌شود: رئیس بزرگ، خشم اژدها، راه اژدها و اژدها وارد می‌شود. به این اندک، می‌توان فیلم بازی با مرگ را هم اضافه کرد که با مرگ ناپهنگام لی ناتمام مانده بود و چند سال بعد با استفاده از راش‌های کار نشده و بدلکار به سرانجام رسید و حتی این متربال به قسمت دوم فیلم هم قد داد. بروس لی برای جاودانگی در سینما، نیاز به نقش و فیلم بیشتری نداشت و همین کمیت و مختصر هم باکیفیت و مفید بود.

نقشی که باعث شهرت اولیه لی شد، کاتو در سریال زنبور سبز بود. او دستیار زنبور سبز (ون ویلیامز) بود و همراه او و به‌صورت ناشناس و با کلاه و چشم‌بند با جنایتکاران مبارزه می‌کرد. منتها در این سریال آمریکایی، لی واقعا یک وردست بود و زیر سایه ویلیامز و در حجم ماجراجویی‌های شبه جیمزپاندی، چندان مجالی برای نمایش توانایی‌های رزمی‌اش نداشت. اتفاق مهم در کارنامه بازیگری او، با بازگشت به سرزمین پدری و مادرش، یعنی چین و هنگ‌کنگ افتاد و با بازی در رئیس بزرگ، چشمه‌هایی از پرسونای مبارزش را بروز می‌دهد. آن تیتراژ پرزرق و برق اول که بروس لی را در حال پرش روی هوا و پرتاب لگد نشان می‌دهد، به نوعی پیش پرده شمایل او در سینماست. سکانس مبارزه او با رئیس بزرگ، از مهم‌ترین صحنه‌های فیلم است ولی هم با هنر رزمی‌اش از تماشاکران دل می‌برد.

آن تم انتقام و مبارزه در خشم اژدها هم ادامه دارد و بروس لی به خونخواهی قتل استادش، هنرهای رزمی‌اش را رو می‌کند. سکانس مبارزه یک‌تنه او با استاد یک باشگاه و انبوه شاگردانش، از به یادماندنی‌ترین صحنه‌های این فیلم است. مبارزه او با سوزوکی، اصلی‌ترین نقش منفی فیلم هم از سکانس‌های مشهور خشم اژدهاست و بروس لی با شعبده‌بازی‌اش با ناچیکو، سوزوکی شمشیر به دست را آچمز می‌کند، متنها وسط آن خشم و هیاهو، انصاف و مردانگی را هم درنظر می‌گیرد و وقتی می‌بیند حریفش بی‌سلاح است، او هم ناچیکو را به زمین می‌اندازد و با یک ضربه مرکبار با نفس سوزوکی را می‌گیرد. راه اژدها دو تفاوت مهم با دیگر آثار بروس لی دارد؛ اول این‌که خودش کارگردانی کار را به عهده داشت و دیگر این‌که فیلمبرداری فیلم در ایتالیا انجام شد. صحنه‌های مشهور مبارزه لی با چاک نوریس در ویرانه‌های کولوزیوم و در حضور آن بچه‌گربه، از تماشایی‌ترین لحظات فیلم است. ضمن این‌که پوشش سیاه نیم تنه پایینی بروس لی و پوشش سفید نیم‌تنه نوریس، مبارزه او را شبیه یک شطرنج رزمی می‌کند.

اما قطعاً مشهورترین فیلم کارنامه بروس لی، اژدها وارد می‌شود است؛ فیلمی که سکانس‌ها و صحنه‌های ماندگار کم ندارد. از انبوه مبارز در آن جزیره با لباس‌های زرد و سفید و ماجراجویی‌های تک‌نفره بروس لی برای سررد آوردن از تشکیلات باند مواد مخدر و به ویژه رویارویی با آن مار کبری تا سکانس درخشان مبارزه با هان در تالار آیینه‌ها و آن دست مصنوعی و کشنده هان و خنج‌های منظم روی صورت و بدن بروس لی.

یکی از نکات جالب فیلم، حضور چکی چان به عنوان سپاهی لشکر است که در صحنه‌ای بروس لی، در کمترین زمان ممکن، او را از پیش رو برمی‌دارد. این صحنه، در زمان خودش لحظه‌ای معمولی و با محوریت هنرنمایی لی بود و اهمیت دیگری نداشت اما وقتی خود چان بعدها به ستاره صاحب سبکی در سینمای هنرهای رزمی تبدیل شد، مهم و جذاب جلوه کرد. در سینمای ایران هم به شکل‌های مختلفی از این فیلم بهره‌برداری شد؛ از مانی حقیقی که فیلمی به نام اژدها وارد می‌شود، ساخت‌کال البته تنها در عنوان، به ترجمه فیلم لی در ایران ارجاع داد تا فیلمی مثل پرواز از اردوگاه که جمشید هاشم پور در سکانس‌های مبارزه و با آن لباس زرد، شباهت‌های تپیکال و حتی چهره‌ای به چان ساکسون داشت.

مهم‌ترین ویژگی و نشانه تصویری بازی با مرگ، آن لباس زرد بروس لی است که بعدها تارانتینو، شبیه آن را برای یادآوری به تن عروس (اما تورمن) آکرد و البته چند سال بعد، باکتب خوردن نقش او از یک بدلکار در روزی روزگاری هالیوود، ظاهراً هرچه رشته بود، پنبه کرد که با اعتراض دختر بروس لی هم مواجه شد.

سکانس مبارزه لی با کریم عبدالجبار دو متر و ۱۸ سانتی‌متری، ستاره اسبق بسکتبال، از صحنه‌های مشهور سینما است. هرچند در دنیای نمایشی فیلم، لی کوتاه قامت، عبدالجبار را تسلیم می‌کند اما می‌شود باتوجه به میزان شرات و آزار و اذیت‌های او در این مبارزه، آن جمله بامزه «کریم، به خدا تو مسلمون نیستی» را اینجا به کار برد!

صدای اژدها

بروس لی، خیلی حرف نمی‌زد و بیشتر مرد عمل بود. با این‌که استاد چندان اعتقادی به گفتمان نداشت و در مبارزات هم کارش را با اصواتی غیرقابل فهم و ترجمه‌نشدنی پیش می‌برد اما گاهی و در فواصل انتقام‌ها، نفسی چاق و چند جمله‌ای هم مخاطبان را مهمان می‌کرد. در دوبله فارسی، زحمت گویندگی این بخش‌ها را زنده با حسین معمارزاده می‌کشید و اولین دوبلور آثار بروس لی بود و در زنبور سبز، خشم اژدها، راه اژدها و اژدها وارد می‌شود و بازی با مرگ به جای این بازیگر صحبت کرد.

معروف شد. گفته شده بروس لی در هیچ ورزش رزمی نتوانسته درجه استاد تمامی را کسب کند اما از این بحث‌ها که بگذریم، به این نتیجه می‌رسیم که او در اجرای حرکات رزمی واقعا بی‌نظیر بود. بدن بی‌نقص او نیز دلیل دیگری بود که افراد را به سمت ورزش‌های رزمی سوق می‌داد. اگر فیلم‌های او را دنبال می‌کردید کاملاً مشخص بود برخی حرکات او آن قدر سریع بود که دوربین‌ها قادر به ثبت دقیق حرکات دست و پا نبودند. می‌توان گفت در واقع بروس لی کسی بود که با تلفیق کاتا و کومیته توانست ورزش‌های رزمی را در جهان شهره کند. برخی افراد برای این‌که بتوانند نقش بروس لی را اجرا و از کلمه (غودا) استفاده کنند اما این رزمی‌کاران هستند که می‌دانند این یک کلمه نیست بلکه تخلیه نفس است که به طور معمول به آن (کیای) گفته می‌شود. این اتفاق در همان نمایش کاتا هم اجرامی‌شود و ممکن است تن صداهر حرکت متفاوت باشد. بدن رزمی‌کاران با کسانی که در رشته بدنسازی فعالیت دارند،

متفاوت است. بدنسازان برای چربی‌سوزی از پروتئین‌ها و داروهای مجاز استفاده می‌کنند و در کنار تمرینات سنگین چربی بدن را از بین می‌برند اما چربی بدن رزمی‌کاران به دلیل ضربات دست و پایی که به بدن یکدیگر می‌زنند، آب می‌شود. رزمی‌کاران افراد بسیار متمرکزی هستند که در کوتاه‌ترین زمان، باید ذهن و حرکات بدن را با هم هماهنگ کنند. به همین دلیل این افراد کتابخوان و نویسنده‌های خوبی از آب در می‌آیند؛ همان‌طور که بروس لی در این زمینه دست‌برآتش داشت.

نکته مهم دیگر این است که مبارزات بروس لی معمولاً با چند نفر همزمان بود و او تنها کسی بود که روش مبارزه چند نفره را به درستی اجرامی‌کرد. آموزش مبارزات چندنفره در ورزش‌های رزمی این‌گونه است که مبارز اگر بتواند مراقب چهار جهت اصلی باشد، کسی نمی‌تواند به او حمله کند و در اینجا تمرکز ذهنی رزمی‌کاران بهتر شناخته می‌شود.